



دانشگاه کاشان

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی شخصیت تاریخی ، اسطوره ای و ادبی

بهرام گور

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر رضا شجری

به وسیله ی:

مصطفی بویراتی

آبان ماه ۱۳۸۸



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پیوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: مصطفی بوبراتی شماره دانشجو: ۸۶۲۳۱۱۰۰۰۱
رشته: زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی
عنوان پایان نامه: بررسی شخصیت تاریخی، اسطوره ای و ادبی بهرام گور
تعداد واحد پایان نامه: ۴ تاریخ دفاع: ۱۳۸۸/۹/۲۲

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۸۸/۹/۲۲ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{۱۸۷۵}{۱۰۰}$ به عدد $\frac{۱۸۷۵}{۱۰۰}$ و با درجه عالی به تصویب رسید.

به حروف همیده مصطفی بوبراتی

اعضاء هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر رضا شجری	دانشیار	
۲. استاد مشاور	دکتر علیرضا فولادی	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر رضا روحانی	استادیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر حسین قربانپور	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر سید حسین رسا	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان- بلوار قطب راوندی

کپستی ۵۱۱۶۷-۸۷۳۱۷

تلفن ۵۵۳۰۱۵-دوگانه ۵۵۳۰۱۵

http : www.kashanu.ac.ir

با سپاس از

پدر و مادرم

با تمامی احساس

تقدیم به

همسرم

تقدیر و تشکر

منت خدای را که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش، مزید نعمت.

سپاسگزارم از همه ی اساتیدی که در این سال ها خوشه چین خرمن پرمهرشان بوده ام، از

اساتید محترم گروه ادبیات دانشگاه کاشان، آقایان دکتر راستگو، دکتر شجری، دکتر فولادی، دکتر روحانی و دکتر متولی.

نیز از اساتید محترم گروه ادبیات فارسی دانشگاه یزد آقایان: دکتر صادقیان، دکتر

غلامرضایی، دکتر جلالی پندری، دکتر الهام بخش، دکتر دهقانی فیروزآبادی، دکتر کهدویی، دکتر ملک ثابت، دکتر مرتضوی، دکتر پهلوان حسینی، دکتر مهتدیانی و دکتر شبانان.

تشکر ویژه به عمل می آید از : دکتر شجری راهنمای محترم و دکتر فولادی مشاور

ارجمند این پایان نامه.

نیز از دکتر رضا روحانی استاد داور داخل دانشگاه و دکتر قربان پور به عنوان استاد داور

مدعو خارج از دانشگاه که پایان نامه را مورد مطالعه قرار داده در جلسه ی دفاعیه شرکت نمودند.

و از نماینده ی محترم تحصیلات تکمیلی جناب دکتر سا

قدر دانی ویژه از دوست عزیزم جناب آقای باقر بهمنیاری و دوست و همکلاسی

بزرگوام آقای احمد نادری سمیرمی.

نیز خانم مرضیه زارعی و خانم فاطمه زارعی همسر عزیزم.

و به یاد دوستانم: شهرام کارگر و کریم جهانگیری.

هم چنین برادرانم محسن، علی، ابراهیم، حسین و خواهرانم مریم و فاطمه و زهرا.

چکیده

بهرام گور از شخصیت های بزرگ تاریخی است که توانسته است با راه یافتن به دنیای جادویی هنر و ادبیات، بخشی از آثار نویسندگان و شاعران را به خود اختصاص دهد و چهره ی تاریخی او تا حدی رنگ اسطوره و خیال گیرد و راز آلود و مبهم گردد.

در این تحقیق ابتدا از لابه لای متون تاریخی چهره ی تاریخی بهرام گور مورد بررسی قرار می گیرد. پس از آن از میان همین آثار تاریخی و متون ادبی که سرگذشت بهرام را مورد طبع آزمایشی قرار داده اند به بررسی افسانه ها و داستان های مربوط به بهرام گور پرداخته می شود و بخش آخر این کار مربوط به استفاده هایی می شود که شاعران فارسی زبان از نام و زندگی بهرام گور در آثار خویش به عمل آورده اند.

پژوهشی درباره ی افسانه ها و اساطیر مربوط به این شخصیت تاریخی و جمع آوری اشاره هایی که شاعران و نویسندگان ادب فارسی، به این پادشاه محبوب ساسانی داشته اند، موضوع کار این رساله می باشد.

از دلایل آمیختگی سرگذشت بهرام گور با افسانه ها و اساطیر، می توان محبوبیت بهرام، شرایط خاص پرورش و زندگی در حیره در دوران کودکی و جوانی، دخالت موبدان در اداره ی امور کشور، عادت ایرانیان مبنی بر آمیختن شخصیت های تاریخی خود با اساطیر و افسانه های ملی را ذکر کرد.

کلمات کلیدی: بهرام گور، تاریخ، هفت پیکر، شاهنامه، اسطوره، افسانه.

غزلی در نتوانستن

از دست های گرم تو
کودکان توامان آغوش خویش
سخن ها می توانم گفت
غم نان اگر بگذارد

نغمه در نغمه در افکنده
ای مسیح مادر، ای خورشید
از مهربانی بی دریغ جانت،
با چنگ تمامی ناپذیر تو سرودها می توانم کرد
غم نان اگر بگذارد

رنگ ها در رنگ ها دویده
از رنگین کمان بهاری تو
که سراپرده در این باغ خزان رسیده برافراشته است
نقش ها می توانم زد
غم نان اگر بگذارد.

چشمه ساری در دل و آبشاری در کف
آفتابی در نگاه و فرشته ای در پیراهن،
از انسانی که تویی، قصه ها می توانم کرد
غم نان اگر بگذارد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۴.....	بخش اول : بررسی زندگی تاریخی بهرام گور.....
۵.....	۱-۱- نگاه‌ی به ساسانیان، وضع دربار و کشور و روابط آن‌ها با دولت‌ها و ملت‌ها.....
۵.....	۱-۱-۱- ساسانیان.....
۶.....	۱-۱-۲- وضع دربار و کشور در دوره‌ی ساسانی.....
۱۰.....	۱-۱-۳- ساسانیان و دین.....
۱۱.....	۱-۱-۴- ساسانیان و مردم ایران.....
۱۳.....	۱-۲- نگاه‌ی به وجه‌ی تسمیه‌ی نام بهرام.....
۱۶.....	۱-۳- پدر بهرام گور.....
۲۰.....	۱-۴- مادر بهرام گور.....
۲۲.....	۱-۵- تولد و کودکی بهرام.....
۲۴.....	۱-۶- پرورش بهرام در میان عرب‌ها.....
۲۷.....	۱-۷- دلیل شهرت بهرام پنجم به بهرام گور.....
۳۰.....	۱-۸- قصر خورنق.....
۳۳.....	۱-۹- ماجرای نعمان و ترک پادشاهی.....

- ۱۰-۱- سازنده ی خورنق..... ۳۴
- ۱۱-۱- مرگ یزدگرد و مساله ی جانشینی..... ۳۷
- ۱۲-۱- تاج در میان شیران..... ۳۹
- ۱۳-۱- سخنرانی بهرام گور به مناسبت جلوس بر تخت سلطنت ایران..... ۴۲
- ۱۴-۱- جنگ با خاقان ترک..... ۴۴
- ۱۵-۱- خروج دیالمه بر بهرام..... ۵۲
- ۱۶-۱- سفر به هند یا جنگ با هندیان..... ۵۳
- ۱۷-۱- مساله ی ارمنستان در دوره ی بهرام گور..... ۵۵
- ۱۸-۱- رومیان و بهرام..... ۵۵
- ۱۹-۱- دوران آسایش ایرانیان..... ۶۱
- ۲۰-۱- خاندان های معروف که نسب به بهرام گور می رساندند..... ۶۲
- ۲۱-۱- پاره ای اوصاف شخصی پادشاهان ساسانی و بهرام گور..... ۶۴
- ۲۱-۱- هدایای مهرگان و نوروز..... ۶۴
- ۲۱-۱- پوشاک شاهان..... ۶۴
- ۲۱-۱- روش شاهان در خوابیدن..... ۶۵
- ۲۲-۱- مدت حکومت و مرگ بهرام گور..... ۶۶
- ۲۳-۱- درباره ی گور بهرام گور..... ۶۸
- ۲۴-۱- خلاصه و نتیجه ی بخش تاریخی زندگی بهرام گور..... ۷۳

- بخش دوم : بررسی زندگی افسانه ای بهرام گور..... ۷۵
- ۱-۲- افسانه در زندگی بهرام گور..... ۷۶
- ۲-۲- عناصر افسانه ای در دوران کودکی و جوانی بهرام و در میان اعراب..... ۷۹
- ۳-۲- عناصر افسانه ای در ابتدای شاهی و هنگام جنگ با ترکان و رومیان..... ۸۲
- ۴-۲- سخن گفتن بهرام گور به همه ی زبان ها..... ۸۷
- ۵-۲- بهرام گور و اولین شعر فارسی..... ۸۸
- ۶-۲- بهرام گور و کتاب آیین الرمی..... ۹۲
- ۷-۲- بهرام گور و کتاب بهرام و نرسی..... ۹۲
- ۸-۲- ردپای افسانه در سفر بهرام به هند یا جنگ با هندیان..... ۹۳
- ۹-۲- بهرام و موسیقی و آوردن رامشگران از هند..... ۹۷
- ۱۰-۲- نظامی و داستان بهرام گور..... ۱۰۲
- ۱۱-۲- داستان های بهرام گور در منابع فارسی..... ۱۰۸
- ۱-۱۱-۲- بهرام و لنبک آبکش..... ۱۰۸
- ۲-۱۱-۲- بهرام گور و وزیر خائن..... ۱۱۴
- ۳-۱۱-۲- داستان شکار بهرام در حیره..... ۱۱۷
- ۴-۱۱-۲- بهرام گور در قحط سال..... ۱۱۸
- ۵-۱۱-۲- ماجرای بهرام و دختران برزین..... ۱۱۹
- ۶-۱۱-۲- ماجرای بهرام و دختران آسیابان..... ۱۲۰

- ۱۲۰.....۲-۱۱-۷-ماجرای بهرام و موبد و ده ویران.....
- ۱۲۲.....۲-۱۱-۸-ماجرای بهرام و شکار شیران.....
- ۱۲۳.....۲-۱۱-۹-ماجرای بهرام و شاگرد بازرگان.....
- ۱۲۵.....۲-۱۱-۱۰-بهرام و کشتن اژدها.....
- ۱۲۷.....۲-۱۱-۱۱-داستان بهرام و برهم دوختن گور نر و ماده با تیر.....
- ۱۲۸.....۲-۱۱-۱۲-ماجرای بهرام و فرشیدورد.....
- ۱۲۹.....۲-۱۱-۱۳-بهرام گور و شکار شیران و گورها.....
- ۱۳۱.....۲-۱۱-۱۴-پرسش نوشیروان از سیرت بهرام گور.....
- ۱۳۲.....۲-۱۱-۱۵-پرسش از بهرام گور.....
- ۱۳۲.....۲-۱۱-۱۶-بهرام گور و باغ انگور.....
- ۱۳۴.....۲-۱۱-۱۷-حرام شدن می در زمان بهرام گور.....
- ۱۳۷.....۲-۱۱-۱۸-بهرام و پیدا کردن گنج جمشید و تقسیم آن با مردم ایران.....
- ۱۳۸.....۲-۱۱-۱۹-یافتن گنج کیکاووس در زمان بهرام گور.....
- ۱۳۹.....۲-۱۲-خلاصه و نتیجه ی بخش افسانه ای زندگی بهرام گور.....
- بخش سوم :بازتاب شخصیت وزندگی بهرام گوردرشعر فارسی...۱۴۱
- ۱۴۲.....۳-۱-پیش درآمد.....
- ۱۴۳.....۳-۲-قصر خورنق در ادب فارسی.....
- ۱۵۲.....۳-۳-سنمار در ادب فارسی.....

- ۳-۴- بهرام گور در ادب فارسی..... ۱۵۳
- ۳-۵- خلاصه و نتیجه ی بخش ادبی زندگی بهرام گور..... ۱۶۸
- تصاویر مربوط به بهرام گور..... ۱۶۹
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۷۹

مقدمه

بهرام پنجم، پانزدهمین پادشاه سلسله ی ساسانیان، از جمله شخصیت های تاریخی دوران پیش از اسلام ایران است که سرگذشت زیبای او با افسانه پیوند خورده و به دنیای جادویی هنر و ادبیات کشانده شده است.

از دیگر پادشاهان باستانی ایران که شخصیت آنان با اسطوره ها و افسانه ها پیوند یافته است، می توان به اردشیر بابکان، شاپور ذوالاکتاف، انوشیروان و خسرو پرویز اشاره کرد. اما به دلیل محبوبیت بهرام گور و توجه ی خاصی که او در دوران پادشاهی به مملکت و مردم ایران داشته است، نام بهرام در بین ایرانیان همیشگی شده است و مردم ایران خاطره ی او را به حافظه سپرده و سلسله های بزرگ نیز، برای توجیه اصل و پیوند خویش، سعی داشته اند نسب خود را به این پادشاه برسانند.

در آثار تاریخی دوران اسلامی، ذکر نام بهرام و ماجراهای زندگی او همراه با افسانه ها و داستان های غیرواقعی، فراوان آمده است. سخن سرایان بزرگی چون فردوسی و نظامی به صورت مستقل به نظم داستان زندگی او پرداخته اند و شاعران برجسته ای نیز به تقلید از نظامی نظیره هایی در برابر هفت پیکر سروده اند که از این میان می توان به هشت بهشت امیرخسرو و هفت اختر عبدی بیک شیرازی اشاره کرد. علاوه بر این آثار، بسیاری از شاعران به صورت کاربرد های هنری ایهام و تلمیح و جناس، از نام بهرام و لقب او، گور در آثار خویش بهره برده اند. در این میان، به نظر می رسد فردوسی چون دیگر ایرانیان، علاقه ی خاصی به بهرام گور داشته است. او با دقتی خاص و حوصله ای فراوان در صفحات طولانی، زندگی بهرام را به نظم

کشیده است و نوعی او را وصف کرده است که گویی می خواسته است رستمی دیگر بسازد.

از بین شاعران سبک خراسانی، امیر معزی بیشترین استفاده را از نام بهرام در آثار خویش

دارد و در بین معاصرین این مساله مربوط به ادیب الممالک فراهانی است.

این تحقیق سعی دارد شرح حال کامل و جامعی از زندگی تاریخی بهرام پنجم ساسانی،

معروف به بهرام گور، به دست دهد. و پس از آن به بررسی افسانه ها و اسطوره هایی که درباره ی

این شخصیت تاریخی در ادبیات فارسی و متون تاریخی وجود دارد، می پردازد.

در آخر نیز به استفاده های گوناگونی که شاعران و نویسندگان ادب فارسی، از نام این

شخصیت تاریخی و ماجرای زندگی او دارند، می پردازد. به عبارتی، سه جنبه ی جداگانه ی

زندگی بهرام گور در حوزه ی تاریخ، افسانه - اسطوره و ادبیات، مورد بررسی و پژوهش قرار

می گیرد.

اهمیت و ارزش این تحقیق را می توان از این لحاظ دانست که چون سعی شده شرح

کامل زندگی بهرام گور را، که به صورت پراکنده در کتاب های تاریخ و متون ادبی آمده به صورت

یکپارچه مورد بررسی و پژوهش قرار دهد و در یکجا جمع کند، نیاز مخاطب را از مراجعه به کتب

گوناگون برطرف کرده و محققان می توانند پژوهش حاضر را مرجع مطالعه درباره ی زندگی بهرام

گور، چه از نظر تاریخی و چه از نظر افسانه ای و ادبی قرار دهند و چون تاکنون کاری به این

صورت و به گونه ی تحقیق دانشگاهی صورت نگرفته است، می تواند مرجع زندگی بهرام گور

باشد.

کشف و حل پاره ای از ابهامات یا مشکلات متون ادبی، به وسیله ی شناخت بیشتر این

شخصیت تاریخی، بر اهمیت و ارزش این تحقیق می افزاید.

سوالات و فرضیه هایی که در ابتدای این تحقیق مطرح بود و سعی شده است به آن ها

پاسخ داده شود، از این قرار است:

۱. شرح حال هایی که درباره ی بهرام گور در متون تاریخی و ادبی وجود دارد، تا چه حد

صحت تاریخی دارد؟

۲. آیا می توان زندگی صد در صد تاریخی بهرام گور را مشخص کرد؟

۳. ریشه ی این افسانه ها درباره ی بهرام گور از کجا ناشی می شود؟

۴. چرا زندگی بهرام گور در هاله ای از افسانه فرو رفته است؟

۵. میزان محبوبیت بهرام گور، در بین ایرانیان تا چه اندازه بوده است؟

۶. تاثیر شخصیت و زندگی بهرام گور بر شعر و سخن سخنوران چگونه است؟

این تحقیق به صورت کتابخانه ای و در سه مرحله صورت گرفته است. ابتدا از متون

تاریخی موجود که در بردارنده ی زندگی بهرام گور بود، چهره ی تاریخی او مورد بررسی قرار

گرفت. سپس با توجه به همین متون و متون ادبی داستان های غیرواقعی در مورد او، به دست داده

شد. و در آخر استفاده هایی که شاعران و نویسندگان در آثار خود از نام و زندگی بهرام کرده اند،

مشخص و بررسی شد.

بخش اول:

بررسی زندگی تاریخی

بهرام گور

۱-۱- نگاه‌ها به ساسانیان، وضع دربار و کشور و روابط آن‌ها با

دولت‌ها و ملت‌ها

۱-۱-۱- ساسانیان

ساسانیان یکی از سلسله‌های بزرگ و مهم و آخرین سلسله از پادشاهان پیش از اسلام در ایران به حساب می‌آیند. این سلسله‌ی تاریخی به دست اردشیر بابکان تاسیس شد.

نسب اردشیر از جانب پدر به ساسان می‌رسید که آتشکده‌ی استخر به نام او بود.^۱

سال تاسیس این سلسله، در حقیقت ۲۲۴ میلادی است که اردشیر ساسانی، اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی را کشت.^۲

پادشاهان این سلسله عبارتند از: اردشیر بابکان، شاپوریکم، هرمزیکم، بهرام یکم، بهرام دوم، بهرام سوم، نرسی، هرمز دوم، آذرنرسی، شاپوردوم، اردشیردوم، شاپورسوم، بهرام چهارم، یزدگرد یکم، بهرام پنجم (بهرام گور)، هرمزسوم، پیروزیکم، بلاش، قبادیکم، جاماسب، قبادیکم، خسروانوشیروان (خسرو یکم)، هرمز چهارم، بهرام ششم، خسرو پرویز (خسرو دوم)، شیرویه (قباد دوم)، اردشیر سوم، شهربراز، خسرو سوم، جوانشیر، پوران‌دخت، آزرمی دخت، هرمز پنجم، پیروز دوم، خسرو پنجم، یزدگرد پسر شهریار (یزدگرد سوم).^۳

سلسله‌ی ساسانی پس از فراز و فرود، سرانجام در سال ۶۵۳ میلادی و با مرگ یزدگرد

۱. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ص ۶۶۲-۶۶۱

۲. روزگاران ایران، زرین کوب، ص ۱۷۳

۳. همان، صص ۲۹۱-۱۷۱

سوم، آخرین پادشاه ساسانی، منقرض شد.^۱

۱-۱-۲- وضع دربار و کشور در دوره ی ساسانی

قبل از پرداختن به بحث اصلی، لازم است معرفی مختصری از وضع دربار و کشور در دوره ی ساسانی به دست داده شود.

دوره ی ساسانیان در واقع دوران اتحاد با آتشگاه است.^۲ در این دوره از سلطنت ساسانی، موبدان موبد یا رئیس مغان و روحانیون همفکرش، در تعیین جانشین شاه برکنار شده یا در گذشته حرف اول را می زدند. هر که را این ها نمی پسندیدند با هر مزایایی که برای شاه شدن داشت نمی توانست شاه شود، مگر این که مورد حمایت سپهبدان نیرومندی باشد که بتوانند اراده ی خودشان را بر موبدان موبد تحمیل کرده، او را با خودشان هم‌نوا سازند. البته چنین امکانی هم نادر بود، زیرا معمولاً سپهبدان می کوشیدند که نظر موبدان موبد را تامین کنند تا همواره مورد حمایت او باشند.

در نظام سلطنتی ساسانی، شاه دیکتاتور به مفهومی که ما می دانیم نبود.^۳ زیرا از سویی به پیشنهاد عالی ترین مقامات دینی، کشوری و لشکری، و توسط موبدان و سپهبدان و با توافق شهرداران و بزرگان منصوب می شد و از سویی دیگر، قدرتش را قدرت موبدان، سپهبدان و اشراف محدود می کرد.

۱. همان، ص ۱۷۱

۲. همان، ص ۱۹۱

۳. دیکتاتور امروزه به معنای فرد مستبد و خود رایی است که با زور به قدرت می رسد و حرف اول و آخر را در اداره ی امور مملکت می زند.

برای انتخاب جانشین، پس از مرگ شاه نیز، این افراد در شورایی، یکی از فرزندان و اعقاب او را به عنوان شاه انتخاب می کردند و اگر شاه جدید آن گونه که این بزرگان می خواستند نبود، باز در شورایی او را خلع یا به مرگ محکوم می کردند و باز مانده ای دیگر را به جای او به شاهی برمی داشتند.^۱

تاج گذاری نیز آیین ویژه ی خود را داشت و تاج معمولاً توسط موبدان موبد، بر سر شاه جدید قرار می گرفت و پایه ی عقل و تدبیر پادشاه نیز در گفتار یا خطبه هایی که در روز تاج گذاری توسط شاه بیان می شد، پدیدار می گشت.^۲

نظایر این خطبه را مورخان برای انوشیروان و بهرام گور آورده اند که خطبه ی انوشیروان معروف به خطبه ی عدل است و خطبه ی بهرام گور هنگام تخت نشینی، آورده خواهد شد.^۳ می توان گفت که یزدگرد اول را اسب لگد نزده، بلکه احتمالاً در چنین شورایی طرح مرگ او پی ریزی شده و گناه را به گردن اسب نهاده اند و اسب را فرشته ای دانسته اند که از جانب خدا برای رهایی مردم از دست ستم های یزدگرد فرستاده شده است.^۴ و اگر مرگ بهرام را مرگ طبیعی، طبق گفته ی فردوسی ندانیم و آن افسانه هایی که مربوط به مرگ او ساخته اند، افتادن در چاه یا باتلاق یا گودال و... را بپذیریم، می توانیم رد پای این شورا را حتی در مرگ او نیز بیابیم.^۵

۱. روزگاران ایران، زرین کوب، ص ۱۹۱-۱۹۰

۲. همان، ص ۱۹۱

۳. رک همین رساله ص ۴۲

۴. رک همین رساله ص ۱۸

۵. رک همین رساله ص ۶۶

منظور آن که اراده‌ی مقامات بزرگ دینی و کشوری و لشکری، که به نوبه‌ی خود نمایندگان عالی مردم کشور بودند، در به سلطنت نشستن یک شاه یا برکناری او، نقش اساسی داشت. در مواردی ممکن بود که قدرت موبدان موبد که برخوردار از حمایت مغان و سپهبدان بود بیش از قدرت شاه باشد، لذا در تمام دوران ساسانی هرگاه دخالت روحانیون زرتشتی، در امور دربار و کشور افزایش می‌یافت، دولت تضعیف و کشور پریشان می‌شد و هرگاه شاه نیرومندی بود که سلطه‌ی کافی را بر این موبدان داشت، کشور وارد آرامش می‌شد. نمونه‌ی این ضعف و قوت را در دوران مورد بحث، یعنی دوره‌ی بهرام گور و قبل از آن، می‌توان مشاهده کرد. در زمان شاپور دوم شهامت و قاطعیت این شاهنشاه بر قدرت، اجازه نداده بود که موبدان در اداره‌ی کشور دخالت بی‌جا داشته باشند و مجبور بودند تسلیم اراده‌ی شاپور دوم باشند و مشهود است که دوره‌ی او دوره‌ی ثبات و آرامش کشور بود. ۱۰ پس از درگذشت شاپور دوم بخشی از بزرگان میل نداشتند که کسی از پسران او جانشین شود، پس یکی از نزدیکان شاپور به نام اردشیر با لقب اردشیر دوم به سلطنت نشانده شد و به زودی شاه دست نشانده دچار انحطاط شد و کشور را به اغتشاش کشاند، چرا که رفتار بسیار خشنی با تازه مسیحیان داشت.

به رغم حمایت فراوان موبدان و مغان از اردشیر دوم، او بیش از سه سال بر تخت ایران نبود و به زودی بر کنار شد و شاپور سوم پسر شاپور دوم بر تخت نشست. این شاپور سوم نیز به زودی در نخجیر گاه در حین شکار کشته شد. حال معلوم نیست که موبدان بخاطر نفوذ و ترسشان از شاپور دوم پسرش را کشتند، یا توسط درندگان کشته شد. چون پادشاهان ساسانی عادت به شکار

۱. روزگاران ایران، زرین کوب، ص ۱۹۳

درندگان نیز داشته اند و گاهی به شکار شیر و پلنگ می پرداخته اند. ۱

بعد از کشته شدن شاپور سوم برادرش بهرام به سلطنت برداشته شد که قبل از آن کرمان شاه (شاه کرمان) و کوشان شاه (شاه کوشان) بود. در زمان او و تحت تأثیر نفوذ شدید این طایفه ی موبدان، کشور دچار انحطاط شدید شد و قسمت هایی از ارمنستان بخاطر مسایل مذهبی تحت سلطه ی روم قرار گرفت.^۲

بعد از بهرام چهارم، یزدگرد اول پدر بهرام گور به سلطنت رسید. یزدگرد پسر بهرام چهارم بود. یزدگرد اول، پادشاهی دوراندیش و با تدبیر بود و به سبب سیاست صلح دوستی او روابط صمیمانه با روم برقرار شد. در زمان او دربارها ی ایران و روم تا آن حد به هم نزدیک شدند که قیصر آركاديوس، ضمن وصیتی، قیومیت پسرش را که ولیعهدش نیز بود، به یزدگرد واگذار کرده بود. او بخاطر همین مسأله ی تسامح دینی است که شوشین دخت، دختر خاخام بزرگ یهودیان ملقب به راس الجالوت را به زنی گرفت و این زن مادر بهرام گور است. در دربار او یهودیان نیز چون مسیحیان از آزادی برخوردار بودند. ولی به خاطر سوء استفاده هایی که مسیحیان از این آزادی مذهبی می کنند این آزادی زیاد به طول نمی کشد و به زودی تعقیب و آزار این مسیحیان، که مقصر اصلی این ماجرا خود آن ها هستند، شروع می شود. ۳ پیرو همین سیاست نفوذ موبدان و بزرگان در اداره ی امور کشور است که پس از مرگ یزدگرد اول باز هم این بزرگان حاضر نیستند سلطنت و تخت او را به فرزندانش بسپارند و طی نقشه ای فرزند بزرگ او را کشته و خسرو نامی

۱. ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستین سن، ص ۱۸۴

۲. روزگاران ایران، دکتر زرین کوب، ص ۱۹۹

۳. همان، ص ۲۰۰